



## معیارهای گزینش همسر در عصر ویکتوریا: نگرش به آثار اسکار وایلد

محمد هادی جهانپنده

مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۱۹۹-۲۱۳

**چکیده:** انگلستان در میانه های سده هجدهم میلادی خاستگاه انقلاب صنعتی و دگرگونی های بزرگ در زمینه های کشاورزی، تولید و حمل و نقل بود. با این وجود، دگرگونی ارزش ها از جمله پیامدهای منفی این تحول امپریالیستی در عصر ویکتوریا بودند که معیارهای انتخاب همسر را تحت الشعاع خود قرار دادند و توجه بسیاری از نویسندگان را به خود معطوف داشتند. هدف از این پژوهش، واکاوی ارزش های فرهنگی موجود در جامعه ویکتوریایی و پژواک آنها در آثار نویسندگان انگلیسی آن دوران است. در این مقاله، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی، همراه با رویکرد فرهنگی خواهد بود. اهمیت این پژوهش در آشناسازی مخاطبان بویژه دانشجویان رشته زبان و ادبیات انگلیسی با دیدگاه های رایج و ارزش های فرهنگی عصر ویکتوریا است. نتایج حاصل از این مقاله نشان می دهد که مهمترین علل دگرگونی های ارزشی انگلستان ویکتوریایی و متحول شدن معیارهای انتخاب همسر در آن دوران عبارتند از: واقع گرایی افراطی، منفعت طلبی، دین گریزی، حق ستیزی و خیانت روشنفکران.

**واژه های کلیدی:** ارزش، عصر ویکتوریا، فرهنگ، انقلاب صنعتی

[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



اسکار وایلد

## معیارهای گزینش همسر در عصر ویکتوریا: نگرش به آثار اسکار وایلد

### مقدمه:

عصر ویکتوریا به شهادت بسیاری از مورخین و منتقدین ادبی یکی از پرحادثه ترین دوران زندگی مردم اروپا بویژه ساکنان بریتانیا بوده است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، محور تمدن غرب از پاریس به لندن نقل مکان کرد و انگلستان با ورود به عرصه فناوری خود را "کارگاه صنعتی جهان" نامید. هرچند نمی توان بر صنعتی شدن و دستیابی به علم کارآمد خرده گرفت، مجرا و مسیر رسیدن به این هدف باید مشروع باشد.



نمایی از تخریب صنعتی شهرهای زیبای انگلستان در عصر ویکتوریا



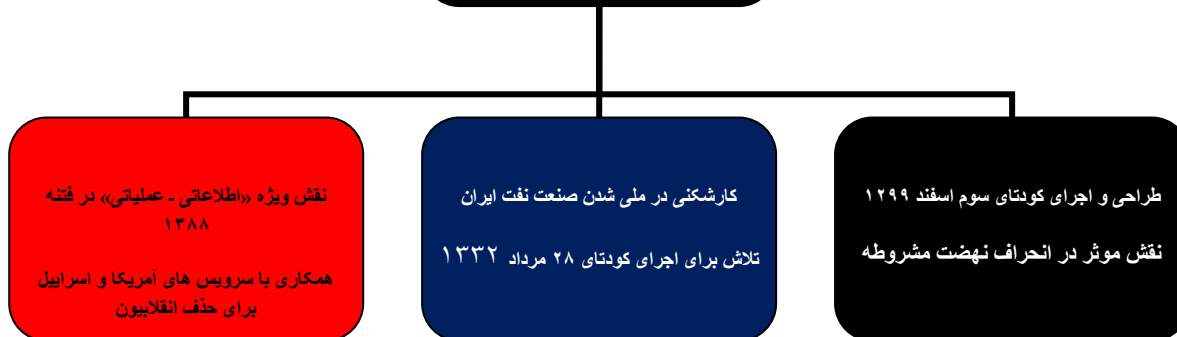
در نظام به شدت طبقاتی انگلستان، موقعیت زنان به جایگاه آنها در این هرم اجتماعی بستگی داشت. اما بخش وسیع زنان آن روزگار از آزادی معقولانه و رفاه نسبی محروم بودند. تصویر زیر نمایانگر برخی از مهمترین ویژگی های عصر ویکتوریا و ارزش های رایج آن دوران است:



انگلستانی که بخاطر سابقه طولانی در استعمار ملل مستضعف و پیروی از "مکتب منفعت طلبی" جان استوارت میل به "روباہ پیر" معروف است پیوسته اهداف شوم خود را توجیه گر وسایل نیل به آنها دانسته است. کودکانی که میوه های عشق همسران بودند وسایلی ارزان قیمت در این راه بودند و در سخت ترین مشاغل صنعتی به کار گرفته می شدند.



کشور ایران نیز به دلیل بهره مندی از منابع غنی طبیعی، موقعیت ویژه جغرافیایی، نقش اساسی در اتحاد امت اسلامی و دفاع از رنجدیدگان عالم همواره توجه مستکبران و غارتگران بین المللی را به خود جلب کرده است تا جایی که آنان با توسل به انواع تهدیدات نظامی، اقتصادی و سیاسی سعی در براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته اند. شکل زیر تعدادی از شواهد و مستندات تاریخی را نشان می دهد که تنها بخشی از خیانت های دولت حيله گر انگلیس در حق ملت مظلوم ایران است:





[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

دگرگونی ارزش ها و معیارهای گزینش همسر در عصر ویکتوریا نسبت به دوران پیش و پس از خود، رمانتیک و مدرن، توسط پژوهشگران متعددی در داخل و خارج از کشور بررسی شده است که در قسمت بعدی به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

### پیشینه پژوهش:

جلد هشتم از مجموعه ده جلدی کتاب های *تاریخ ادبیات انگلیس* تالیف امراله ابجدیان به "ادبیات روزگار ملکه ویکتوریا" (۱۳۸۵) اختصاص دارد. ابجدیان در این کتاب به مطالب سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ادبی دوران حکومت ملکه ویکتوریا در انگلستان می پردازد. وی با واکاوی آثار ادبی شاعران و نویسندگان اصلی این دوره دریچه ای از دوران پسامدرن به عصر ویکتوریا باز می کند و مخاطبان را با زوایای پیچیده این عصر پرتلاطم آشنا می سازد. از این رو، امیدواریم که این مقاله مایه تشویق و محرکی برای استفاده هرچه بیشتر ادب دوستان و جامعه دانشجویان کشور از کتاب های نفیس و گرانبهای استاد ابجدیان باشد.

پژوهش دیگر، پایان نامه کارشناسی ارشد ماگنولیا صنعتی با عنوان "بررسی اخلاق اجتماعی در عصر ویکتوریا در سه اثر چارلز دیکنز" (۱۳۸۱) است. صنعتی با بررسی رمان های *الیور توئیست* (۱۸۳۸)، *دوران مشقت* (۱۸۵۴) و *آرزوهای بزرگ* (۱۸۶۱) چارلز دیکنز به این نتیجه می رسد که عصر ویکتوریا حول محور نظریه هایی همچون فایده باوری می چرخیده که انتقادات نویسندگان حق طلب و عدالتخواهی همچون چارلز دیکنز را بوجود می آورده است.

در کتاب "ادبیات و فرهنگ عصر ویکتوریا" (۲۰۱۱)، مورین مووران در چهار بخش به بررسی ویژگی های فرهنگی و ادبی عصر ویکتوریا می پردازد. وی در این اثر نهضت زیبایی شناسی و مکتب انحطاط را مورد مذاقه قرار می دهد. مطالعه این کتاب می تواند ما را با جریان های مهم عصر ویکتوریا آشناتر سازد. از آنجا که دانشجویان مقاطع مختلف رشته ادبیات انگلیسی و سایر رشته ها پیش و بیش از هر چیز نیازمند آشنایی با دوره های مختلف ادبی هستند، پژوهش حاضر، ان شاء الله، گامی موثر در نیل به سوی این هدف خواهد بود.

### محدودیت های تحقیق:

در این تحقیق، تنها نمایشنامه شوهر دلخواه اسکار وایلد را از میان انبوه آثار عصر ویکتوریا برگزیده ایم و سایر گونه های ادبی این دوره در این بازه زمانی کوتاه بررسی نخواهد شد. از طرفی، واکاوی تمامی علل و ریشه های دگرگونی ارزش ها و معیارهای انتخاب همسر در عصر ویکتوریا نیازمند مطالعه میان رشته ای وسیعی است که در مجال این مقاله کوتاه نمی گنجد. از این رو، به دلیل محدودیت های موجود تلاش می کنیم که با رویکردی فرهنگی و قرائتی چند نواختی به تحلیل محتوای این اثر ادبی بپردازیم.



[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

## بحث و بررسی:

### الف). اسکار وایلد: شوهر دلخواه (1898)

نمایشنامه شوهر دلخواه با یک مهمانی شام در منزل سر رابرت چیلترن در میدان مجلل گراسونر لندن آغاز می شود. این اثر ادبی به بهترین وجه نمایانگر فرهنگ سرمایه داری و مصرف گرای انگلستان در سده های نوزدهم و بیستم میلادی است. بهروز گرانپایه در کتاب فرهنگ و جامعه (۱۳۷۷) به فرهنگ از دو جنبه می نگرد و چنین اظهار می کند:

فرهنگ هر جامعه از دو جنبه مادی و غیرمادی تشکیل شده است. جنبه مادی فرهنگ شامل وسایلی است که توسط افراد جامعه ساخته شده و با عنوان تمدن نیز از آن یاد می شود. فرهنگ غیرمادی نیز شامل ارزش ها، هنجارها، عقاید، آداب و رسوم و باورها و علوم و فنون است. هر یک از جنبه های مذکور فرهنگ، کل پیوسته ای هستند که مجموعه آنها موجب تمایز یک فرهنگ از فرهنگ دیگر می شود. اجتماعات و جوامع بشری، برای ادامه حیات فرهنگی خود، ناگزیرند به طور مستمر افراد و نسل های جدید را با فرهنگ جاری آشنا کنند، آموزش دهند و آنها را با زندگی گروهی هماهنگ و آماده سازند. (گرانپایه، ۱۳۷۷: ۵۷)

سر رابرت، عضو عالی رتبه مجلس عوام انگلیس و همسرش، لیدی گرتوت چیلترن میزبان یک مهمانی هستند که شامل لرد لرد گارینگ، دوست مجرد و شیک پوش سر رابرت، دوشیزه مابل چیلترن، خواهر سر رابرت و سایر مهمانان متشخص می شود. در این میان، شخصیت های نمایشنامه نگرش های متفاوتی به هدف از ازدواج دارند. لیدی مارکی ایده ازدواج را هوسی گذرا برای جوانان تعبیر می کند و با لحنی گرم و مجلس آرا می گوید: "امروزه مردم تا می توانند عروسی می کنند، اینطور نیست؟ این کار رسم شده". (وایلد، ۱۳۵۲: ۴۲)

وایلد مضمون اصلی نمایشنامه را در گفتگویی سرزنده طراحی می کند. سخن مارچمونت حقیقت دردآوری را پیش بینی می کند که لیدی چیلترن در اواخر نمایشنامه کشف خواهد کرد. حقیقت، به زعم مارچمونت، این است که تفکر تکیه به شوهر به اصطلاح "دلخواه و آرمانی" سرانجام به ناامیدی منجر می شود. وی با کشیدن آهی چنین اظهار می کند: "شوهرهای ما قدر هیچ چیز ما را نمی دانند، و ناچار ما باید این توقع را از دیگران داشته باشیم". (همان: ۶۳)

لیدی چیلترن سر رابرت را به عشق سرشار از قید و شرط خود گرفتار می کند. او گفتار خود را با چنان تهدیدی می پوشاند که گویی اگر همسرش نالایق باشد عشقشان دوام نخواهد یافت. لیدی چیلترن از همسرش انتظار دارد که بر اساس اصول وی زندگی کند: او به سر رابرت می گوید: "همیشه تو را دوست خواهم داشت زیرا تو را لایق عشق پاک خود می دانم". (همان: ۹۵)

عنوان نمایشنامه، شوهر دلخواه نام دارد که در یکی از دیالوگ های پایانی پرده چهارم و به عنوان آخرین بذله گویی نمایشنامه ظاهر می شود. میبل چیلترن و لرد لرد گارینگ به تازگی نامزدی خود را اعلام کرده اند. لرد کاورشام، مظهر نسل قدیم جامعه لندن، در قالب جملات زیر پسرش را تهدید می کند:



[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

{لرد کاورشام}: از همه این حرفها گذشته اگر نتوانید در زندگی تان شوهر دلخواه این خانم باشید سرتان را با این یک شیلینگی از تن جدا خواهیم کرد!

{میبل چیلترن}: شوهر دلخواه؟ ایوای امن هرگز چنین چیزی را از خدا نمی خواهیم. مثل اینکه این حرف به درد دنیای مرده ها می خورد.

{میبل چیلترن}: هر جوری که خودش می پسندد. تنها آرزوی من این است که.. این است که.. در زندگی همسر حقیقی او باشم. (همان: ۲۳۱)

در همان لحظه، میبل چیلترن و لرد گارینگ پایبندی خود را به وحدتی اعلام می کنند که آنان را از قیود آرمانی رفتار زوجین رها می سازد. میبل چیلترن معتقد است که پدیده و مفهوم "همسر ایده آل" تنها در بهشت معنا دارد. به زعم میبل چیلترن، لرد گارینگ می تواند هر طوری که می خواهد رفتار کند چرا که میبل چیلترن از وی توقعات فرا دنیوی ندارد. این عشاق در طول نمایشنامه ژستی حاکی از بی تفاوتی به اخلاق بر خود گرفته اند و به ارزش های عرفی همچون وظیفه شناسی و احترام متقابل بهای چندانی نمی دهند. اتحاد آنان از طرفی وزنه توازن چیلترن ها است که در تقید به اصول اخلاقی افرادی سرسختند. از اواخر سده نوزدهم و بویژه با طلوع عصر مدرن تغییراتی در نگرش مردم به کانون خانواده بوجود آمد که به نوبه خود در خور تأمل است. نرجس رودگر در بخشی از کتاب *فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایش ها، نقد (۱۳۸۸)* نوشته است:

تا پیش از مدرنیته، نظم موجود در خانواده و اجتماع امری طبیعی و صحیح به شمار می آمد. فقرا و رعایا زندگی سخت خود را امری طبیعی و گریزناپذیر و زنان، اقتدار مرد و اطاعت از او را تنها شیوه موجه زندگی خانوادگی می دانستند؛ اما مدرنیته نظم گذشته را زیر سوال برد. در مدرنیته، بر اساس داوری عقل انسانی هرگونه تفاوت و تبعیض باید به محک عقل بشری مورد سنجش قرار گیرد. طبیعی است که در این حال و هوا به ذهن ها خطور کند که چرا مردان بر زنان مسلط اند و چرا زن ملزم به اطاعت از مرد است؟... تاکید مدرنیته بر اینکه هیچ چیزی را نباید قبل از اثبات عقلانی پذیرفت، سبب شد زنان در بسیاری از مسلمات اجتماعی از جمله الگوی زن خانه دار، وظایف زن، توانایی های زن و ... تردید کنند. (رودگر، ۳۸: ۱۳۸۸)

کاورشام از سر خوشمزمگی و چاپلوسی، با عروس آینده اش گفتاری موافق و دمساز دارد. نظر کاورشام در مورد "عقل سلیم" ما را به یاد میان پرده ای از پرده سوم نمایشنامه می اندازد که وی در آن عقل سلیم را با دارایی مردان یکسان می پندارد. در پایان پرده دوم، خانم چولی اسرار گذشته سر رابرت را برای لیدی چیلترن آشکار می کند و لیدی چیلترن نیز در بهت و ترس عالیجناب رابرت را از خود می راند و با او قهر می کند. سر رابرت خطاب به لیدی چیلترن می گوید:





[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

این اشتباه خودت بود. خطای بزرگ خودت. خطایی که عموم زنان مرتکب می شوند. چرا شما زن ها نمی توانید ما مردها را با همه عیب هایمان دوست بدارید؟ و چرا می خواهید همیشه ما را چون پیکره خدایان و قهرمانان باستانی بر بالای کرسی مهیب افتخارات جای دهید، و آنگاه چشم به تحسین ما بگشایید؟ همه آدمیان، چه مرد و چه زن، پایبند زندگی خاکیند و ناچار عاری از عجز و نقص نیستند. ولی وقتی ما مردها زنان را دوست داریم، آنها را با تمام ضعف ها، بی خردی ها و معایبشان دوست داریم، و ای بسا که به علت وجود همین نقایص آنها را خیلی هم بیشتر دوست داریم. آنها که از هر حیث کامل عیارند احتیاجی به محبت دیگران ندارند، بلکه این مردمان عاجز و ناکاملند که قبل از هر چیز نیازمند مهر و شفقت همنوعان خودند. اگر این ضعف ها و زخم های آدمی وجود نداشته باشد که دیگر کسی نیازی به عشق پیدا نمی کند. عشق باید همه گناهان را ببخشد مگر گناه بی مهری را. عشق واقعی باید همه نوع زندگی را معذور بدارد مگر زندگی خالی از عشق را. (وایلد، ۱۴۸:۱۳۵۲)

گفتگوی فوق یک سخنرانی ملودراماتیک است که ویژگی های دوران معاصر اسکار وایلد را در سبک و محتوای خود تنیده است. این قطعه نقشی کلیدی در نگاه نمایانمه به مضمون ازدواج دارد. اسکار وایلد سبک های مردانه و زنانه را در عشق ورزیدن به نمایش می گذارد. در عصر ویکتوریا، زنان از مرد خود بتی می ساختند در حالیکه مردان با آگاهی از کاستی های خویش صاحب دیدگاهی آگاهانه تر بودند. وایلد زنان را موظف به بخش و گذشت در زندگی زناشویی می بیند و عشق واقعی را در بین زنان و مردان عاشقی جستجو می کند که صاحب گذشتند. حضرت حجه الاسلام عباس رحیمی در بخشی از کتاب **خانواده موفق (۱۳۹۰)** به بیان دیدگاه دین مبین اسلام در رابطه با وظایف زن نسبت به همسر پرداخته اند:

زن باید مراقب باشد که رفت و آمدها و مهمانی ها به نارضایتی او در زندگی منجر نشود. هرگز خوبی های شوهر را نادیده نگیرد، زندگی خود را با دیگران - که بهترند - مقایسه نکند و هرگز شوهر خود را تحقیر نکند و به شوهر سرکوفت نزند که گناهش بزرگ است و به زندگی لطمه می زند... رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: کسی که مومنی را به خاطر چیزی سرکوفت زند، نمی میرد تا خودش به همان بلا و مشکل گرفتار شود. (رحیمی، ۷۳:۱۳۹۰)

در خلال مهمانی، خانم چولی، دشمن دوران تحصیل لیدی چیلترن، تلاش می کند که از سر رابرت باجگیری کند و او را به حمایت از طرح کانال سازی قلابی در آرژانتین وادار سازد. ظاهراً، بارون آرنهیم، مشاور مرحوم خانم چولی، سر رابرت جوان را متقاعد ساخته بوده است که یکی از اسرار کابینه را در اختیار وی بگذارد. رازی که پیشنهاد می کرده است که آرنهیم سهام هایی را در رابطه با کانال سوئز سه روز پیش از اعلام دولت بریتانیا خریداری کند. سر رابرت با آن پول سیاه ثروتمند می شود و خانم چولی مدرکی را دال بر اثبات جرم وی در اختیار دارد. ترس از بی آبرویی و از دست دادن همسر، سر رابرت را به قبول شرایط خانم چولی ملزم می سازد. گفتگوی زیر در پرده





[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

اول نمایشنامه و قبل از باج خواهی خانم چولی از سر رابرت رخ می دهد. از آنجا که یکی از مضمون های اصلی نمایشنامه دیدگاه های رقیبانه زنانه به مسائل است، ارتباط زیبایی شناسی اثر با مقدار معینی از مفاهیم زن محور موجب زیبایی اثر می شود:

{خانم چولی}: قوت ما زنها فقط در این است که علم روانشناسی از هیچ راه نمی تواند به عمق وجودمان پی ببرد. مردان را می توان تجزیه و تحلیل کرد اما زنانرا... فقط می توان دوست داشت.

{سر رابرت چیلترن}: یعنی شما فکر می کنید که علم نمی تواند مساله "روح زن" را حل کند؟

{خانم چولی}: نخیر، هرگز! زیرا علم اصولا در حل مساله نامعقول عاجز است و به همین دلیل هم آتیه چندان درخشانی در پیش ندارد.

{سر رابرت چیلترن}: و به عقیده شما زنها مظهر "مسائل نامعقول" اند.

{خانم چولی}: بله، عموم زنهاي خوش لباس. (وايلد، ۱۳۹۰: ۱۳۵۲)

از نظر خانم چولی یک زن همچون تابلو هنری است که فقط باید آن را دوست داشت و نباید در موردش به قضاوت نشست. همین مساله مایه قدرت زنان در رابر مردان است. به زعم خانم چولی، وقتی زنان لباس های زیبا و فریبنده به تن دارند از هر موقعی خطرناک تر و نامعقولانه تر رفتار می کنند و قدرت خاصی در حکمرانی بر دل مردان دارند. دایانا پاسنو در کتاب *فمینیسم: راه یا بی راه؟* (۱۳۸۶) مهمترین عامل تمایل برخی از زنان به جلب توجه در انظار عمومی را عدم برخورداری از حس اعتماد به نفس در دوران پیش از ازدواج قلمداد می کند. وی در قالب کلمات زیر از والدین خود بخاطر احترام و اعتماد به نفسی که برای وی در دوران نوجوانی قایل شده اند تقدیر بعمل می آورد:

خدا زنان را با خصوصیات مشخصی خلق کرده است که او را به اندازه همسرش ارزشمند می کند. نقش متفاوتی را داراست. از نظر انجیل ما شهروندان درجه دو یا سطح پایین نیستیم. بزرگترین هدیه والدین ام به من این بود که به من یاد دادند تا به عنوان یک زن نسبت به خود اعتماد به نفس و اطمینان شخصی داشته باشم. این پرورش مرا توانا ساخت. آنها سر میز شام به حرفهایم گوش می دادند؛ نظرات و استعدادهای من به اندازه افراد بزرگسال مورد احترام واقع شده، و من به اندازه یک دختر ارزشمند بودم. (پاسنو، ۱۳۸۶: ۱۰۸)



[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

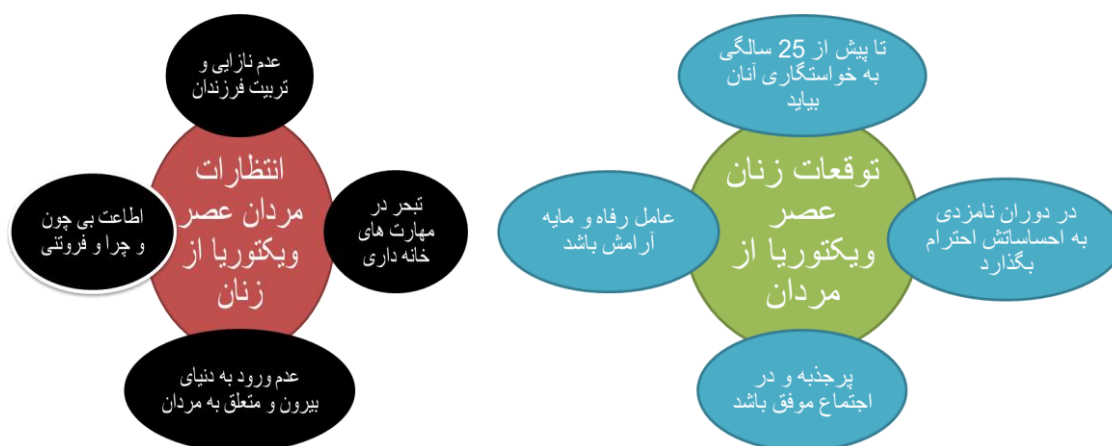
پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

وقتی خانم چولی در لفافه لیدی چیلترن را از تصمیم جدید سر رابرت در مورد طرح کانال سازی آگاه می کند، این لیدیی اخلاق گرای انعطاف ناپذیر که از گذشته همسرش و طرح باجگیری خانم چولی ناآگاه است به همسرش اصرار می کند که زیر قول خود بزند و با چولی همکاری نکند:

{لرد لرد گارینگ: رابرت، تو زنت را دوست داری، نه؟}

{سر رابرت چیلترن: از هر چیز دیگر در عالم او را بیشتر دوست دارم. تا کنون خیال می کردم که جاه طلبی بزرگترین داعیه و لذت زندگی است، ولی حالا می فهمم که چقدر این فکر خطا است. معنی حقیقی زندگی عشق است و دیگر هیچ! من گرتروود را از جان و دل دوست دارم ولی افسوس که دیگر در چشم او مردی بدکار و ننگینم و همین امر موجب جدایی وی از من می شود. (وایلد، ۱۷۱:۱۳۵۲)}

لیدی چیلترن ازدواج خود را بر پایه داشتن همسری دلخواه و ایده آل استوار ساخته بوده است. همسری که در زندگی اجتماعی و خصوصی یک الگوی قابل ستایش باشد. بنابراین، از سر رابرت انتظار دارد که در تصمیماتش تردیدی به دل راه ندهد. در عصر ویکتوریا و سال های آغازین دوره مدرن، ازدواج بر مبنای معیارها و انتظاراتی شکل می گرفت که همسران آینده برای یکدیگر در نظر می گرفتند. این توقعات و انتظارات در تصویر زیر مشاهده می شود:





[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

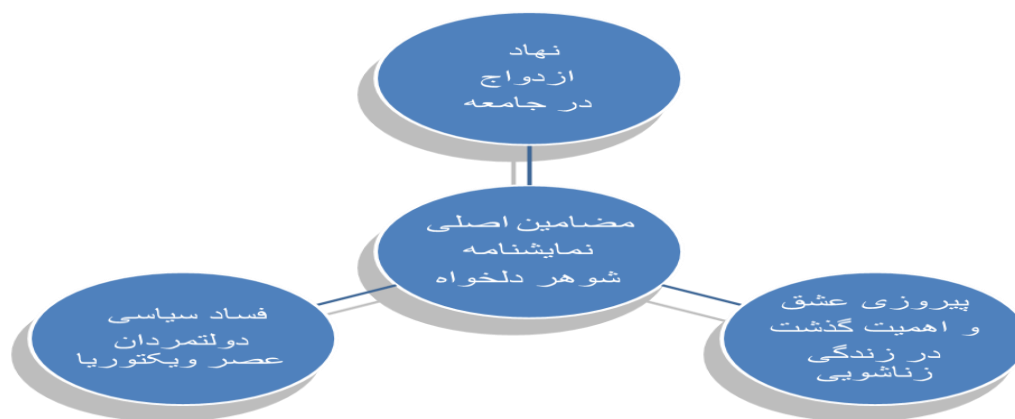
[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

ظاهراً، سر رابرت به خواسته های خانم چولی سر تعظیم فرود می آورد و بدین ترتیب سرنوشت بدی را برای خود رقم می زند. در اواخر پرده نخست نمایشنامه، دوشیزه میبل چیلترن، خواهر سر رابرت، و لرد لرد گارینگ یک سنجاق سر الماس را پیدا می کنند که لرد لرد گارینگ با خود گمان می کند که سال ها پیش آن را به کسی هدیه داده است. لرد گارینگ سنجاق را بر می دارد و از میبل چیلترن تقاضا می کند که اگر کسی به دنبال آن آمد وی را خبردار کند. اسکار وایلد تجددخواهی افراطی را عاملی خطرناک در مسیر پیشرفت بشر می داند. لیدی مارکبی زبان گویای وایلد است هنگامی که میبل را به اعتدال و توازن در زندگی سفارش می کند:

{لیدی مارکبی}: میبل، تو خیلی متجدد مآب هستی، شاید یک کمی بیش از اندازه، و باید بگویم که هیچ چیز به اندازه افراط در تجددپرستی خطرناک نیست، زیرا غالب آدمای که در زندگی خیلی متجدد مآب اند یکمرتبه از آن رو می افتند و سخت کهنه پرست و کناره گیر می شوند. من خودم نمونه های آن را زیاد دیده ام -  
{میبل چیلترن}: چه عاقبت شومی! (همان: ۱۳۰)

در واقع، نمایشنامه شوهر دلخواه حول محور مضامینی می چرخد که می توانند در شکل زیر خلاصه شوند:



در پرده دوم، که در خانه سر رابرت اتفاق می افتد، لرد لرد گارینگ از سر رابرت می خواهد که با خانم چولی بجنگد و به گناه خود در برابر همسرش اعتراف کند.



[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

{لرد لرد گارینگ}: رابرت، زندگی نسبت به هیچکس انصاف ندارد، و شاید هم برای ما مردمان صلاح در همین باشد

{سر رابرت چیلترن}: هر کسی که آرزوی مقام های منبع در سر دارد باید خود را با محیطش منطبق سازد و با همان سلاحی که معمول زمانه است وارد کارزار شود. می دانی که امروزه همه کس پول را می پرستند. معبود این دوره ثروت است و هر که بخواهد موفق شود و ترقی کند باید به هر قیمتی که شده اول آن را به چنگ بیاورد.  
{لرد لرد گارینگ}: رابرت، قدر خودت را خیلی پایین آوردی. من یقین دارم که تو بدون ثروت هم می توانستی به همین اندازه ترقی کنی. (همان: ۱۰۱)

او همچنین به سر رابرت می گوید که قبلا با خانم چپولی نامزد بوده است. بعد از تمام کردن گفتگوش با سر رابرت مشغول شوخی با دوشیزه میبل چیلترن می شود. او همینطور لیدی چیلترن را کنار می کشد و از وی در لفافه می خواهد که انعطاف بیشتری از لحاظ اخلاقی به خرج دهد و بخشش بیشتری داشته باشد. وقتی لرد گارینگ آنجا را ترک می کند، خانم چولی ظاهر می شود، و دنبال سنجاق سری می گردد که در میهمانی شب قبل گم کرده است. خانم چولی که از تغییر تصمیم سر رابرت به خشم آمده است، سرانجام پرده از راز وی در حضور همسرش بر می دارد. لیدی چیلترن که اکنون نمی تواند با حقیقت هویدا شده کنار بیاید همسرش را سرزنش می کند و نمی خواهد که با وی کنار بیاید. گفتگوی زیر مصداق این مساله است:

{لیدی چیلترن}: تو اسرار دولتی را در مقابل پول فروختی و زندگی را با تقلب و خدعه آغاز کردی؟ تو سابقه خدمات و ترقیات خود را بر پایه خیانت استوار ساخته ای؟ ای وای! رابرت چرا معطلی و نمی گویی که این حرف ها راست نیست! اگر لازم است به من دروغ بگو! دروغ بگو و بگو که این حرف ها دروغ است .

{سر رابرت چیلترن}: هرچه این زن گفت عین حقیقت است. ولی گر ترود، درست به من گوش بده. تو نمی تونی بفهمی چه وسوسه ای مرا به این کار بر انگیخت و چگونه تطمیع شدم. بگذار همه چیز ها را از اول برایت شرح دهم. (همان: ۱۴۶)

در پرده سوم که در خانه لرد لرد گارینگ صورت می گیرد، وی نامه ای از لیدی چیلترن دریافت می کند که می تواند که به یک نامه سازشکارانه تعبیر شود. در همین لحظه، پدر لرد لرد گارینگ، لرد کاورشام، سر و کله اش پیدا می شود و از پسرش می پرسد که چه موقع قصد ازدواج دارد. سر رابرت برای مشاوره پیش لرد لرد گارینگ آمده است. در این اثنا، خانم چولی بطور غیر منتظره از راه می رسد و مستخدم منزل که وی را با زنی که لرد لرد گارینگ منتظرش هست اشتباه می گیرد، او را به اتاق پذیرایی راهنمایی می کند. وقتی که خانم چولی در حال انتظار است، نامه لیدی چیلترن را می بیند. سرانجام سر رابرت متوجه حضور خانم چپولی در اتاق پذیرایی می شود و هنگامی که از نامزدی این دو نفر در گذشته مطلع می شود با خشم از خانه بیرون می رود.



[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران

وقتی که خانم چپولی و لرد لرد گارینگ با هم روبرو می شوند، چپولی پیشنهادی دارد. وی از لرد لرد گارینگ می خواهد که در مقابل استرداد نامه سر رابرت، عشق گذشته اش را به لرد گارینگ بازباید. ایرنه کلارمونت در کتاب *اسرار ناگفته از دنیای زنان* (۱۳۸۸) بین عشق و روابط هوس آلود تمایزی اساسی قایل می شود:

وقتی دو نفر با هم وارد یک رابطه عاشقانه می شوند، کاملاً گرفتار هم می گردند، به گونه ای که اگر بخواهند آنها را از هم جدا کنند انگار که دارند یک موجود زنده را به دو نیم تقسیم می نمایند. آنها با هم کامل هستند و جدای از هم دو موجود بی جان هستند که به دو بخش تقسیم شده است. این نوع نگرش از تکامل برای همه ما آشناست اما تعداد انگشت شماری از ما قادر به نگهداری این حالت برای مدت طولانی هستند... من رابطه و عشق را برابر نمی دانم. در اینجا در مورد عشق صحبت نمی کنم. به نظر من عشق چیزی کاملاً متفاوت است. از یک رابطه می توان پل ارتباطی ساخت ولی نمی توان عشق ساخت. (کلارمونت، ۱۳۷۷:۱۳۸۸)

لرد لرد گارینگ از این کار امتناع می ورزد و او را شخصی معرفی می کند که به عشق به عنوان یک کالای تجاری می نگرد و زندگی مشترک خانواده چیلترن را به هم زده است.

{لرد لرد گارینگ}: به نظر من نفرت شما از این خانم به سبب آن است که فاجعه بزرگی وارد زندگی آرامش ساخته اید و اینکه از کرده خود پشیمانید

{خانم چولی}: در زندگی هر زن فقط یک فاجعه وجود دارد و آن این است که همیشه عاشق خود را در گذشته از دست داده و در آینده مجبور است فقط ا شوهرش زندگی کند. (وایلد، ۱۸۴:۱۳۵۲)

اکنون لرد لرد گارینگ دام خود را می گستراند. وی سنجاق سر را از کشو میزش بیرون می آورد و با فوت و فن خاصی آن را به مچ دست خانم چولی می بندد. پس از این کار وی به خانم چپولی می گوید که چگونه این سنجاق را پیدا کرده است. ظاهراً خانم چولی سالها پیش این سنجاق را از دخترخاله لرد لرد گارینگ ربوده است. برای جلوگیری از دستگیری، خانم چولی باید نامه سر رابرت را در ازاء دستبند مسترد کند. بعد از آنکه لرد گارینگ نامه را می گیرد و آن را می سوزاند، خانم چپولی نامه لیدی چیلترن را از میز لرد گارینگ می دزدد. از سر انتقام، خانم چولی تصمیم می گیرد که نامه را به عنوان یک مدرک خیانت عشقی از طرف لیدی چیلترن در قبال همسرش به دست سر رابرت برساند. خانم چولی با پیروزی از خانه لرد لرد گارینگ خارج می شود.

پرده آخر که به میدان گراسونر باز می گردد، بسیاری از پیچیدگی های پیرنگ نمایشنامه را با پایانی خوش حل و فصل می کند. لرد لرد گارینگ به دوشیزه میبل چیلترن پیشنهاد ازدواج می دهد و او نیز می پذیرد. لرد کاورشام نیز به پسرش می گوید که سر رابرت در برابر مجلس پروژه کانال سازی در آرژانتین را تقبیح کرده و مردود دانسته است. خانم چیلترن سپس ظاهر می شود و لرد لرد گارینگ به



وی می گوید که نامه همسرش سوزانده شده است و خانم چیولی قصد دارد نامه ای را که لیدی چیلترن به وی نوشته است را برای ضربه زدن به زندگی اش استفاده کند. امراله ابجدیان در کتاب *تاریخ ادبیات انگلیس: ادبیات روزگار ملکه ویکتوریا* (۱۳۸۵)، نگرش مردم سده های میانه تا عصر مدرن را نسبت به خداوند متعال در جملات زیر خلاصه می کند:

در ادبیات انگلیس در سده های میانه، سخنی از تردید به میان نمی آید، خداوند پیوسته همه جا هست و وجودش حس می شود، اما با آمدن رنسانس خداوند اندک اندک مردم را رها می کند و بسیاری از نویسندگان دور از خداوند زندگی می کنند. این به معنای خدانابردستی یا الحاد نیچه نیست. خداوند وجود دارد اما در این دنیا نیست بلکه در آسمان و یا دنیای دیگر است. برای نویسندگان سده های ۱۹ و ۲۰ خداوند در دسترس نیست و غیاب ترس آور او احساس می شود. به گفته آرنولد، مردم میان دو دنیا آواره اند، دنیای پیشین مرده است و دنیای نوین، توان به دنیا آمدن را ندارد. خداوند مردم را رها کرده و دستیابی به او آسان نیست. (ابجدیان، ۳۰: ۱۳۸۵)

در آن لحظه سر رابرت وارد می شود و نامه لیدی چیلترن را به نوشته ای خطاب به خودش و برای پوزش خواهی تعبیر می کند. هر دو نفر با هم آشتی می کنند. بعد از آنکه سر رابرت با ازدواج لرد لرد گارینگ و خواهرش مخالفت می کند، لیدی چیلترن مجبور می شود که حقایق میان چیولی و لرد گارینگ را توضیح دهد و ماجرای نامه را هم بازگو کند. عالیجناب کوتاه می آید و در پایان لرد گارینگ و دوشیزه میبل چیلترن ازدواج می کنند.

#### نتیجه گیری:

از مقاله حاضر چنین نتیجه می گیریم که مهمترین علل دگرگونی های ارزشی انگلستان ویکتوریایی عبارتند از: واقع گرایی افراطی، منفعت طلبی، دین گریزی، حق ستیزی و خیانت روشنفکران.

[www.ISEAS.ir](http://www.ISEAS.ir)

پایگاه استنادی ملی مقالات دانشگاهی ایران

[www.Listjournal.ir](http://www.Listjournal.ir)

پایگاه استنادی ملی مجلات دانشگاهی ایران

[www.ConferenceList.ir](http://www.ConferenceList.ir)

پایگاه استنادی ملی کنفرانس های دانشگاهی ایران



## منابع فارسی:

- ۱- ابجدیان، امراله. (۱۳۸۵). تاریخ ادبیات انگلیسی: ادبیات روزگار ملکه ویکتوریا. شیراز، دانشگاه شیراز: مرکز نشر.
- ۲- دایانا، پاسنو. (۱۳۸۶). *راه یا بی راه؟ کشف دوباره خواست خدا برای آزادی زنان*. چاپ دوم. مترجم: محمد رضا مجیدی. قم: نشر معارف.
- ۳- رحیمی، عباس. (۱۳۹۰). *خانواده موفق*. چاپ سوم. قم: جمال
- ۴- رودگر، نرجس. (۱۳۸۸). فمینیسم: تاریخچه، نظریات، گرایشها، نقد. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- ۵- صبور اردوبادی، احمد. (۱۳۸۵). *قداست ذاتی در زن*. تهران: رسالت قلم
- ۶- کلارمونت دکاستلو، ایرنه. (۱۳۸۷). *کنترل ذهن*. مترجم: پریسا امیری. چاپ اول. تهران: کلام شیدا.
- ۷- گرانیپایه، بهروز. (۱۳۷۷). *فرهنگ و جامعه*. تهران: نشر شریف
- ۸- وایلد، اسکار. (۱۳۵۲). *شوهر دلخواه وزن بی اهمیت، دو نمایشنامه از اسکار وایلد*. مترجم: پرویز مرزبان. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

## References:

- 1-See, <http://dl.nlai.ir/UI/Search/BasicSearch.aspx?PageNo=1>
- 2-See, <https://books.google.com/books?isbn=1441169873>